فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره بیست و سوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۹۷-۱۸۵ New Period, No 23, 2020, P 185-197
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

روش تدریس خلاقانه در دوره ابتدایی

دکتر مختار رنجبر[۱]. زین العابدین دمیری[۲]
۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، گروه علوم تربیتی، لامرد، ایران
Ranjbarmokhtar@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد واحد لامرد، گروه علوم تربیتی، لامرد، ایران
Zdmyry98@gmail.com

چکیده
مقاله حاضر، براساس پژوهشی با عنوان روش تدریس خلاقانه در دوره ابتدایی تهیه شده است. مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. خلاقیت و نوآوری محرک اصلی تمدن‌هاست. تلفن، اتومبیل، هواپیما، رادیو، تلویزیون، رایانه، الکترونیک، قدرت اتمی و مسافرت‌های فضایی و خلق ادبیات و انواع هنرها و. . . نقاط عطفی از اختراعات و اکتشافات و نمودی ارزشمند از تفکر و ذهن خلاق بشر است. برای پیشرفت در صنعت، اقتصاد، سیاست و همه علوم، نیازمند تفکری خلاق و نوآور هستیم؛ خلاقیتی که در ضمیر همه ما نهفته و در نحوه زندگی ما تأثیر دارد. تحولات سریع عصر کنونی ما، نیازمند حل مسائل و مشکلات به گونه‌ای خلاق است. هرچند علم، توسعه و پیشرفت نیاز اولیه بشر امروزی است، ولی باید دانست که علم به خودی خود، ضامن حل بسیاری از مسائل و مشکلات آینده‌ای که ما با آن‌ها مواجه خواهیم شد نیست، تنها نیروی فوق‌العاده و قدرتمند خلاقیت است که می‌تواند مسائل و مشکلات را به طرز خارق‌العاده‌ای از سر راه بشر بردارد.

واژه‌های کلیدی: خلاقیت، نوآوری، آموزش، برنامه درسی، دانش آموز.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مقدمه

مرور موضوع توجه به خلاقیت نشان می‌دهد که در اواخر قرن بیستم علاقه‌ای قوی نسبت به آموزش خلاقیت به وجود آمد. در سال‌های اخیر تحقیق درباره خلاقیت از توجه بر اصول کلی در خصوص منشا خلاقیت و ویژگی‌های افراد خلاق، به تمرکز بر حوزه های حرفه‌ای و نقش محیط اجتماعی و فرهنگی تغییر یافته است. این رویکرد در آثار افرادی مانند گاردنر[1] (۱۹۹۳)، سیکزنتمی هالی[2] (۱۹۹۶) و یه[3] (۲۰۰۰) به چشم می‌خورد (چنگ پینگ چانگ[4] ۲۰۱۳). مطابق با سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، تقویت نگاه تخصصی زیربنایی و اولویت‌بخشی به آموزش دوره ابتدایی در تامین و تخصیص منابع در کنار پرورش‌وآموزش فراگیرانی خلاق و کار آفرین از جمله اهداف و راهبردهای کلان در سند تحول بنیادین است.

تعریف خلاقیت

خلاقیت یکی از اصطلاحاتی است که ارائه تعریف از آن بسیار مشکل است و نوعی عدم قطعیت در تعریف آن وجود داشته وتوافقی جامع در مورد یک تعریف یا اندازه‌گیری از خلاقیت وجود ندارد (فیورنهایم، بختیار[5] ۲۰۰۸). از نظر آمابیل خلاقیت برجسته‌ترین ویژگی انسانی است که نقش ویژه‌ای در پیشرفت‌های بشری داشته است. خلاقیت توانایی خلق ایده‌ها یا مصنوعاتی است که جدید، شگفت انگیز و ارزشمند هستند (دورین و کوین[6] ۲۰۰۹). سانتروک[7] (۲۰۱۳) خلاقیت و آفرینندگی را «توانایی اندیشیدن در باره امور به راه‌های تازه و غیرمعمول و رسیدن به راه‌حل‌های منحصر به فرد برای مسائل» می‌داند. رابرت گانیه خلاقیت و آفرینندگی را نوعی حل مسئله می‌داند (سیف، ۱۳۹۲). در چند دهه اخیر، نظام‌های آموزشی به منظور ارتقاء توانایی‌های شناختی و به ویژه خلاقیت، تلاش زیادی کرده‌اند. متغیر بودن وحجم زیاد علوم موجب این واقعیت انکارناپذیر شده که اگر هدف تعلیم و تربیت اکتساب و به خاطرسپاری دانش باشد، فراگیران با احساس واماندگی در برابر هجوم اطلاعات نمی‌توانند در توسعه دانش و پیشبرد فرایند نوآوری کوشا باشند. متخصصان معتقدند یکی از اهداف آموزش باید تربیت نسل خلاق و نوآور باشد (پاشاشریفی، مهری‌نژاد، ۱۳۸۴)؛ چرا که نظام آموزشی به عنوان بازتابی از فرهنگ جامعه، نیازها وآرزوها و ماهیت دانش موجود در یک جامعه معین محسوب می‌شود (ناکپودیا[8] ۲۰۱۰). توجه به خلاقیت از قدمتی تاریخی

1- Gardner,H
2- Csikzentmihalyi,M
3- Yeh
4- Cheng-ping chang
5- Furnham. A & Bachtiar. V
6- Dorin &Kevin
7- Santrock, J. W
8- Nakpodia,E. D

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

برخوردار بوده و برخی آن را به کتاب‌های مقدس نسبت داده که قدرت آن در بشر از طریق خویشاوندی و یک رابطه داوطلبانه و خصوصی با خداوند ایجاد و اثبات می‌شود (اشترنبرگ، کافمن[1] ۲۰۱۰). طرح علمی موضوع خلاقیت حتی تا قرن هفدهم با بروز نظرات فیلسوفانی مانند هابز و لاک مغفول بود (اشنبرنر[2] ۲۰۰۸).

محتوای برنامه درسی

محتوای برنامه درسی باید به گونه‌ای باشد که فراگیران بتوانند بر اساس مهارت‌های مورد علاقه خود، به‌آسانی در مسیر کسب دانش گام بردارند (طارمیان، فرهاد، ۱۳۹۳). محتوای برنامه درسی که در آن انواعی از امکانات به گونه‌ای استفاده شود که باعث افزایش انگیزه و توانایی فراگیران شود، بسیار مهم است. فناوری‌های جدید باعث می‌شوند که برنامه درسی از قدرت انعطاف‌پذیری مناسب برخوردار بوده و بتواند انگیزه و توجه تمام فراگیران را جهت یادگیری محتوای مورد آموزش جلب نماید(فردانش، هاشم، ۱۳۹۱). میزان کارایی و کاربرد برنامه درسی، در حقیقت، سودمندی آن برنامه را مشخص می‌کند. برنامه درسی‌ای که بتواند دانش و مهارت‌های به‌روز و اساسی فراگیران را جهت کسب مشاغل آینده فراهم کند، یا آنان را در مهارت‌آموزی یاری کند، قطعاً از سودمندی بیشتری برخوردار است (قره‌داغی، بهمن، ۱۳۹۲). برنامه درسی که متناسب با رشد ذهنی، جسمی، روانی یا عاطفی فراگیران تنظیم شده و در آن به تفاوت‌های فردی فراگیران توجه گردیده، می‌تواند موجب افزایش یادگیری فردی فراگیران شود. به کمک فناوری‌های جدید می‌توان محتوای برنامه درسی را متناسب با ویژگی‌های فردی فراگیران تنظیم کرد و از این طریق، باعث افزایش میزان یادگیری آن‌ها شد (ناصری، محمد مهدی، ۱۳۹۲).

توانایی خلاقیت

ولفلک[3](۲۰۱۲) همسوی با گانیه عنوان می‌دارد که توانایی خلاقیت مانند توانایی حل مسئله؛ بر دانش و اطلاعات فرد در زمینه‌ای که به آفرینش دست می‌زند وابسته است. او می‌گوید «داشتن یک مخزن غنی دانش در یک زمینه اساس خلاقیت در آن زمینه ات». یکی از ویژگی‌های مهم خلاقیت، تازگی نتایج تفکر خلاق است. راه حل‌های آفریننده و خلاق راه حلهایی نو هستند که دیگران قبلا به آن دست نیافته‌اند. ویژگی بدیع و مفید بودن خلاقیت، به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی خلاقیت مورد پذیرش قرار گرفته است (زرنکا و زیموراً[4] ۲۰۰۸). به زعم پیاژه خلاقیت توانایی جدا از بقیه توانایی‌ها و پدیده‌ای ذاتی و موروثی نیست. به عقیده وی هر عملی که بشر در راستای ساختن دانش خود انجام می‌دهد، عملی خلاق

1- Koufman, J. C. & Sternberg, R. J.
2- Aschenbrener ,A
3- Wolflk. A. E
4- Czernecka,K. & Szymura. B

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

است (بیابانگرد، ۱۳۹۲). از نظر اگن و کاوچاک[1](۲۰۱۲) «خلاقیت یعنی توانایی تشخیص یا تدارک راه حل‌های اصیل و متنوع برای مسائل» از منظر روانشناسی نیزدر خصوص خلاقیت دیدگاه‌های مهمی مطرح است که دیدگاه‌های رفتاری و شناختی از این جمله است.

برنامه درسی خلاق

برای پرورش خلاقیت ازطریق برنامه، ضرورت داردکه برنامه‌ی درسی براساس تجارب قبلی وآمادگی دانش‌آموز و شرایط یادگیری درجهت کسب اطلاعات و معلومات بهتر او انتخاب و تنظیم شود (زندی، بهمن، ۱۳۹۲). برنامه‌ی خلاقیت کلاسی در این حوزه‌ها دنبال می‌شود: قطعه‌های بازی، اسباب‌بازی، سرگرمی‌ها، هنر، کتابخانه، اکتشاف، موسیقی و حرکت و رایانه. محیط کلاس غنی هماهنگ با ضوابط برنامه، می‌تواند زمینه‌ی پرورش خلاقیت را فراهم سازد. عامل مهم دیگر در برنامه‌ریزی درسی، هماهنگی محتوا با موادآموزشی مناسب است. همچنین بهره‌گیری از تفکرو بیان غیرمستقیم در طراحی موادآموزشی، خلاقیت در آموزش و پرورش را افزایش می‌دهد (احمدی قراچه، علی محمد، ۱۳۹۴).

خلاقیت در رویکرد رفتاری

خلاقیت در رویکرد رفتاری یک الگوی رفتاری – شناختی است که ابتدا ناآگاهانه است و سپس در متن یک محرک ترکیب می‌شود. اسکینر معتقد است که خلاقیت از تجدید سازمان فیزیکی که برای فرد ناآگاهانه است، منتج می‌شود و به همین علت است که تولیدات خلاق در این نظریه خود به خودی است و شرطی شدن عامل به عنوان یک محرک، به فرد این فشار را وارد می‌سازد تا برای یافتن راه‌حل موفقیت اقدام به رفتار خلاقانه کند. اگر افراد، تولیدات خلاقانه یک فرد را تشویق کنند، فرد شرطی شدن عامل را تجربه کرده است (پروار، ۱۳۸۵). در دیدگاه شناختی اعتقاد بر این است که خلاقیت آموزش‌پذیر است و افراد خلاق از عوامل اجتماعی و محیطی پیرامون خود تاثیر می‌پذیرند. پژوهش‌های مطرح در این رویکرد در دو گروه انجام یافته است: اول گروهی که شیوه‌های پرورش خلاقیت را بررسی کرده‌اند و دوم گروهی که عوامل پرورش‌دهنده را شناسایی کرده و معتقدند توانمندی و استعدادهای کودک از عوامل اجتماعی تأثیرگذار از جمله مدرسه و والدین، متاثر است (نیمیک و ریان[2] ۲۰۰۹، لینچ[3] ۲۰۰۹، ریو و هالوسیک[4] ۲۰۰۹).

1- Eggen,. & Kauchak,
2- Niemiec, C. & Ryan, R. M.
3- Lynch,M. F
4- Reeve, J. & Halusic, M.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

خلاقیت در رویکرد نظام آموزشی

خلاقیت به عنوان یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام آموزشی غالباً مورد نظر و توجه قرار داشته است؛ چرا که برجسته‌ترین ویژگی انسان است و نقش ویژه‌ای در پیشرفت‌های بشری داشته است (آمابیل[1] ۲۰۰۶). این در حالی است که نظام فعلی آموزش‌وپرورش کشور ما در عمل هنوز تمرکز در برنامه درسی، محتوا محوری کتاب درسی، معلم محوری روش‌های تدریس و زمان بندی و ارزیابی دروس با تأکید بر جنبه‌های شناختی را القا می‌کند. به زعم صادقی مال امیری و رئیسی (۱۳۸۹) محیط و نظام آموزشی فعلی، می‌باید در تلاش برای اصلاح این مسیر باشد؛ چرا که عدم درک و شناخت صحیح مدیران از عوامل موثر بر پرورش خلاقیت، موجب عدم تصمیم گیری درست و به موقع بوده و فرصت‌ها و امکان توسعه آموزش خلاقیت را از بین برده و مانع نهادینه شدن خلاقیت می‌گردد. بروغنی (۱۳۹۰) وجود میزهای ردیفی و پشت سر هم در کلاس درس، القای تحت کنترل بودن دانش‌آموزان و فرایند یادگیری را توسط معلم، عدم توجه به حس ایمنی، فقدان خود مختاری و ابتکار برای بروز استعداد و عدم تناسب زمان اختصاص داده شده به دروس همسو با نیازهای دانش‌آموزان را برای بروز خلاقیت؛ در زمره ویژگی‌های چنین نظام مدرسه‌ای تلقی نموده است. تحقیقاتی نیز در خصوص مولفه‌های خلاقیت در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی انجام شده که گزارش آنها حکایت از عدم توجه مؤلفین به پرورش خلاقیت دردانش آموزان دوره ابتدایی دارد (مرزوقی، اناری‌نژاد، ۱۳۸۷). مرادی پیانی (۱۳۹۲) در ارزیابی کتاب تفکر و پژوهش پایه ششم ابتدایی استفاده و گسترش صلاحیت‌های تفکر برای رشد دانش‌آموزانی که به طور فزاینده در حال روبه رو شدن با جهانی متغیر می باشند را ضروری دانسته و هدف این درس راپرورش تفکر انتقادی برای ایجاد خلاقیت در دانش‌آموزان می‌داند. با این وصف؛ اوگزارش نمود که این کتاب از توانایی لازم برای نیل به این مقصود برخوردار نیست.

خلاقیت در مدرسه

یکی از ابعاد محیطی اجتماعی خلاقیت، مدرسه می‌باشد. تورنس بیان می کند مسئله توسعه خلاقیت در نظام آموزشی رسمی بیشتر از این جهت حائز توجه است که بر اساس پژوهش‌ها دریافته‌ایم که در ابتدا ابتکار و خلاقیت در اغلب کودکان مشاهده می‌شود ولی منحنی تحول آن در حدود۱۰سالگی افت می‌کند و سیر نزولی می‌یابد و نتیجه آن فقدان علاقه به یادگیری و افزایش مشکلات رفتاری و انگیزشی است. به قول تورنس عدم بروز این توانایی عموماً به نامناسب بودن روش‌های تدریس مربوط می‌شود (ملکی، حسن، ۱۳۹۴). در این میان معلمان نقش کلیدی را بر عهده دارند معلمان می‌توانند با استفاده از انواع روش‌های خلاق امکان ظهور خلاقیت در کودکان و نوجوانان را فراهم سازند. امروزه تمام کودکان دبستانی باید با

1- Amabil, T. M.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

واقعیت‌ها و مفاهیم علمی آشنا شوند زیرا زندگی در عصر صنعتی بدون استفاده از یافته‌های علمی تقریباً غیرممکن است. مدرسه به عنوان یکی از اجزای مهم نظام آموزشی می تواند بر فرایند تفکر و مهارت‌های ذهنی و شیوه‌های یادگیری دانش آموزان تأثیر شگرف بگذارد تا به راحتی بتواند در جهت تفکر نو و انتقادی و کشف مجهـــولات پیش برود و راه‌حل مناسبی برای مشکلات ارائه دهد. بدین ترتیب مدرسه می‌تواند کانونی جهت یادگیری و پرورش افکار خلاق باشد (آبلهی تزرا، ۱۳۹۰) شکوفایی خلاقیت کودکان، ترجمه حسن قاسم‌زاده، پروین عظیمی بشر). محیط مدرسه از جنبه‌های مختلفی مانند شرایط فیزیکی (دیوارها، کلاس، ابزار و اشیاء موجود در مدرسه. .) و روابط عاطفی میان افراد، نقش مدیر و ناظم بویژه معلم، روابط دانش‌آموزان با معلم، روابط دانش آموزان با یکدیگر، بر انگیزه یادگیری و خلاقیت تاثیر مستقیم دارد. معلم در مدرسه بعنوان یک الگو نقش کلیدی ایفاء می‌کند. در واقع اهمیت او در زندگی کودکان و نوجوانان مستعد و خلاق بیشتر روشن می‌گردد. شایان ذکر است معلم شکل‌دهنده جو کلاس است و مهمترین نقش را در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان برعهده دارد و می‌تواند این نقش را از طریق روش‌های تدریس در کلاس به انجام رساند.

روش‌های تدریس در کلاس

تدریس، تنها فعالیت معلم در کلاس درس نیست بلکه فعالیتی دو جانبه از طرف معلم و دانش‌آموزان می باشد که در جریان آن، بین دانش‌آموزان با یکدیگر و معلم تعامل وجود دارد (بروغنی، الهه، ۱۳۹۰). روش تدریس را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: روش‌های تدریس فعال و روش‌های تدریس غیرفعال (سنتی). در روش تدریس غیرفعال، فقط معلم نقش فعالی را در جریان تدریس بعهده دارد و مطالبی را که از قبل تعیین شده است بطور شفاهی در کلاس بیان می‌کند و دانش‌آموزان در این میان واکنش چندانی از خود نشان نمی‌دهند. به عبارت دیگر کودک برای مدرسه است، نه مدرسه برای کودک. تدریس سنتی تنها وظیفه خود را این می‌داند که حافظه کودک را از معلومات انباشته سازد، آن را به زیور علم بیاراید و با افکار بزرگ زینت بخشد (فتحی و اجارگاه، کوروش، ۱۳۹۳). بنابراین خلاقیت فقط جای اندکی درآموزش سنتی دارد، زیرا در آموزش سنتی کسب مهارت خواندن و نوشتن مهم است و ارائه مفاهیم به صورت شفاهی ازطرف معلم و تکرار و حفظ کردن و پس دادن مطالب توسط شاگردان انجام می‌شود. بدین ترتیب ذهن شاگردان با جزئیات شتاب‌زده و نامربوط انباشته می‌شود و آنها از یادگیری مطالب مهم درسی و قابل فهم محروم می‌گردند و تلاشی برای پاسخ‌های چالش انگیز وجود ندارد. شیوههای آموزش سنتی دانش آموزان رابا روش‌های شناختی که مرتبط با دنیای فردا است همراه نمی‌کند و چنین تدریس نامناسبـــی همراه با عدم طرح موضوعات بحث برانگیز، محیط آموزشی ملالت‌آوری را ایجاد می‌کند. درنتیجه باعث عدم کنجکاوی وسئوال و مشارکت از جانب کودک می‌شود. برای پر کردن

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

این شکاف و فقدان می‌توان با روش‌های فعال و پویا مانع از کسب این دیدگاه سطحی‌نگر شد (صادقی مال امیری، منصور و رئیسی، محبت۱۳۸۹). در مقابل روش تدریس سنتی، روش‌های دیگری وجود دارد که در آنها بر خلاف روش تدریس غیرفعال، دانش‌آموزان بیشتر فعالیت دارند و قسمت اعظم کار آموزش و تدریس بعهده دانش‌آموزان می‌باشد. در واقع یک تعامل دو طرفه بین دانش‌آموزان و معلم و دانش‌آموزان با یکدیگر وجود دارد. در این روش پیشنهاد می‌کنند که از وسعت برنامه کاسته شود و کیفیت برنامه مورد اهمیت باشد زیرا ثابت شده است معارفی که طی تفحصات و پژوهش‌های آزادانه مشخص بدست می آید بهتر در ذهن باقی می ماند و به شاگرد فرصت می‌دهد به کسب روش‌هایی نائل آید که در تمام دوره زندگی مورد استفاده قرار گیرد و بطور مداوم دامنه کنجکاوی او را توسعه می‌دهد و دانش آموز یاد می‌گیرد چگونه عقل خود را شخصاً بکار اندازد و بدین‌ترتیب آزادانه مفاهیم و تصورات خود را بنا می‌کند. بنابراین استفاده از روش فعال در ارائه درس نه تنها دانش‌آموزان را برسر شوق و ذوق آورده و انگیزه یادگیری را درآنان تقویت می‌کند، بلکه معلم را در تبدیل محیط کلاس به جامعه‌ای کوچک و دلپذیر قادر می‌سازد. در نتیجه ایجاد و پیشرفت چنین محیط هایی است که حس کنجکاوی دانش‌آموزان برانگیخته می‌شود. یکی از راهبردهایی که معلم با روش فعال در هنگام تدریس انجام می‌دهد، استفاده از تمایلات و کنجکاوی طبیعی کودک در حل مساله و بیان مسائل بصورت حیرت‌آمیز است. این روش یادگیری و روش‌های علمی دیگر که بر اساس ساختار طبیعی کودک بنا گریده مهارت‌های روش تحقیق را به وی می آموزد تا در کودک فهم عمیقی از مهارتها و راهبردهای علمی رشد پیدا کند (حائری زاده، خیریه بیگم (۱۳۹۱).

یادگیری واقعی

معلمان باید متوجه این نکته باشند یادگیری واقعی صرفاً بخاطر سپردن مطالب نیست، بلکه یادگیری واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که دانش‌آموز باید در ارتباط موضوع درسی مواد و ابزار قابل لمس داشته باشد و بتواند مطالب را در عمل نیز ببیند و آنها را تجزیه و تحلیل کند. در این صورت کودک مطالب را بهتر فرامی‌گیرد و انگیزه و کنجکاوی او تحریک می شود. بنابراین معلم باید برای برانگیختن فعالیت‌های مورد نظر خود از رغبت های طبیعی دانش آموزان استفاده کند و آنها را وادار نماید تا از روی رغبت و علاقه فعالیت نمایند و خلاقیت آنها را پرورش و شکوفا سازد. تحقیقی توسط رمی و پیپر (۱۹۷۴) سولیوان (۱۹۷۴) انجام شد، محور آنها مقایسه کلاس‌های پویا یا باز با کلاس‌های سنتی بوده است. فضای کلاس‌های باز یا پویا برای رشد شرایط پژوهش، کنجکاوی، دستکاری، خودفرمانی و یادگیری مناسب بود (رئوف، علی ،۱۳۹۱). اما کلاسهای سنتی در امتحان گرفتن، درجه‌بندی، تدریس مقتدارنه با سختگیری دنبال می شد و تغییر کمی در برنامه آموزشی خود ایجاد می کردند. همچنین سولیوان (۱۹۷۴) دریافت، بچه هادر کلاس باز در مقایسه با

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

بچه‌های کلاس‌های سنتی نمره معنادار و بهتری در ۲ از ۴ تست گلیفورد بدست می‌آورند. فراهم آوردن زمینه‌ها و شرایطی که به تقویت تفکر خلاق درمدارس منجر شود دامنه وسیعی دارد که از تغییردر نگرش‌ها تا روش‌های تدریس امتداد می‌یابد (Cheng –pingchang ،2013). در تحقیقی که ارتباط متقابل بین معلم وخود کارآمدی معلم ها مورد ارزیابی قرار گرفته است، نشان داده شد نوع نگرش معلم به درس تعیین‌کننده سطح موفقیت آنان در تدریس آن درس می‌باشد. علاقه‌مندی و عدم علاقه‌مندی آنان به درس تأثیر مستقیم در نحوهُ آموزش آنان دارد و باعث ایجاد رفتارهای خود مدارانه یا شرکت دادن دانش آموزان درامرتدریس، تحقیق و آزمایش است و نتیجه آن رشد یا کاهش خلاقیت در کودکان می‌باشد(Eggen, P. & Kauchak, D. 2012). چامبرز (۱۹۷۳) در مطالعه‌ای از ۶۷۱ معلم، تأثیرات منفی و مثبت آنها را بر روی خلاقیت دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داد. بررسی پاسخ‌ها نشان می‌داد: معلم هایی که موجب رشد خلاقیت در دانش‌آموزان هستند در مدیریت و هدایت کلاس به روش‌های غیررسمی گرایش دارند. آنها به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند موضوعاتی را که می‌خواهند، انتخاب کنند. پذیرای دیدگاه‌های غیرمعمول آنهاهستند، به خلاقیت پاداش داده، در بیرون از کلاس با دانش‌آموزان در تعامل هستند و تشویق استقلال دانش‌آموزان و عملکرد مثبت آنها را بعنوان نقش موثر الگوی خلاقیت می‌دانند (Germam , K 2016). در مقابل رفتارهای متضاد که باعث کاهش خلاقیت می‌شود، عبارتند از: دلسرد کردن عقاید دانش‌آموزان، تأکید بر تکرار یادگیری، ناامنی، سختگیری و اعمال روش‌های سنتی که موجب تقلیل خلاقیت می‌شنود (Gliss, G, Ashnman, H 2016).

خلاقیت یک توانایی همگانی

در مطالعات متعددی که در زمینه کارایی روش‌های تدریس فعال صورت گرفته است، مطلوب بودن این روش‌ها را نسبت به روش‌های تدریس غیرفعال نشان می‌دهد. در مطالعه‌ای، کیفیت یادگیری به روش‌های سخنرانی، تمرین و تکرار، پرسش و پاسخ، نمایش... بررسی شده است (Klieme, E, Clausen, M. 2017). نتیجه نشان داده است که کیفیت یادگیری در روش‌هایی که همراه با فعالیت بیشتر دانش‌آموزان باشد، به رشد خلاقیت بیشتری می‌انجامد (طارمیان، فرهاد، ۱۳۹۳). یادگیری فعال در مقایسه با یادگیری نافعال موجب می‌شود ارتباط‌های بیشتری برای یادگیرنده ایجاد شود. کلاس‌های غیررسمی یا فعال تأثیر بیشتری در رشد خلاقیت می‌گذارند. این‌گونه کلاس‌ها در مقایسه با محیط‌های محدودکننده سنتی تسهیل‌کننده خلاقیت هستند. خلاقیت یک توانایی همگانی است که هم ناشی از عوامل مختلف فردی و شخصیتی است و هم عوامل اجتماعی آن مطرح است. هر چند توانایی تفکر خلاق به طور بالقوه و به نحو فطری در انسان به ودیعه نهاده شده است، اما ظهور آن مستلزم پرورش آن است (قره‌داغی، بهمن، ۱۳۹۲). یکی از مکان‌های پرورش و رشد خلاقیت، مدرسه است. هنگامیکه کودک وارد مدرسه می‌شود، فرایند

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

اجتماعی شدن در محیط آموزشی شروع می‌شود. عوامل بسیار زیادی چون: تکالیف زیاد، تأکید بر حفظ دروس، اجرای برنامه‌های هماهنگ، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و سرانجام عدم شناخت یا بی‌توجهی به ویژگی‌های کودکان خلاق، سبب می شود که قدرت خلاقیت آنان بتدریج کاهش یابد. اما اگر مدرسه شرایط خود و روش‌های تدریس را بر پایه شناخت و پرورش استعدادهای دانش‌آموزان، نیاز جامعه و نزدیک کردن محیط مدرسه به شرایط و زند گی بیرونی قرار دهد، می‌تواند در جهت شکوفایی خلاقیت در دانش‌آموزان گام بردارد. در تحقیقی که توسط گوگن (۱۹۸۳) با استفاده از تست خلاقیت تورنس در نمونه‌ای از ۲۲۵ کودک در مدرسه انجام شد، مشخص گردید: روش‌های فعال بر رشد خلاقیت دانش‌آموزان بویژه دختران بیشتر است در مقابل دانش‌آموزان به روش سنتی کمترین افزایش خلاقیت را نشان داده‌اند (مفیدی، فرخنده، ۱۳۹۳). بعد از یک سال حتی خلاقیت آنان، پایین‌تر از خط پایه نسبت به گروه مقابل (روش فعال) نشان داده شد (مهرمحمدی، محمود، ۱۳۹۳). در تحقیقی دیگری که توسط هادون و لیتون (۱۹۶۸) در مقایسه بین دو کلاس پویا و سنتی انجام گرفت، مشخص شد که بچه‌ها بعد از گذشت ۴ سال از کلاس ابتدایی، برتری پایدارتری را در تفکر واگرا نسبت به بچه‌های با کلاس‌های سنتی نشان داده بودند (Santrock, J. W. 2013). میلگرام (۱۹۹۰) نیز معتقد است علت شکست مدرسه در رشد خلاقیت تا حد زیادی به تعلیم و تربیت همشکل و یکنواخت مربوط می‌شود. این در حالی است که هرکدام از بچه‌ها کاملاً با یکدیگر متفاوتند (Wolflk, A. E. 2012). در نتیجه‌ی چنین مشاهداتی مشخص می‌شود، اگر محیط آموزشی بویژه روشهای تدریس که مستقیماً مرتبط با تفکر کودک است، مناسب با رشد خلاقیت کودکان نباشد، باعث کاهش خلاقیت می‌شود. تا جائی که تورنس در اولین یافته‌هایش بیان می‌کند، در رشد خلاقیت کودکان افتی در کلاس چهارم وجود دارد که بدلیل وجود شرایط نامساعد مدرسه بویژه روش‌های تدریس است (نریمانی، محمد، ۱۳۹۳). همچنین در تحقیقات نشان داده شده است اگر شرایط مناسب تدریس برای کودک در همان کلاس چهارم وجود داشته باشد، این افت با کاهش کمتری روبرو می‌شود و چه بسا نسبت به دانش‌آموزان با روش سنتی نیز خلاقیت بیشتری نشان دهند (ناصری، محمدمهدی، ۱۳۹۲). تورنس (۱۹۸۷) در نتایجی از ۳۰۸ مطالعه انجام شده، نشان می‌دهد که روش‌های تدریس مناسب، بر رشد خلاقیت کودکان تأثیر مثبت می‌گذارد و در ۷۰٪ موارد با موفقیت همراه است (محمدی ختابان، اصغر، ۱۳۹۱). به طور کلی روش تدریس مناسب در مدارس نه تنها باعث می‌شود که خلاقیت کودکان رشد یابد، بلکه دانش‌آموزان را با دنیای فردا که مسئله و مشکلات بی‌شماری دارد، آماده‌ی حل مسئله، خلاقیت و نوآوری می‌کند. پس لازم است تا جامعه در آگاه کردن معلمان به انواع روش‌های فعال تلاش کند تا معلمان از روش‌های مناسب در کلاس خود استفاده کنند، کنجکاوی کودکان را برانگیزند و شرایط مناسب‌تری را برای خلاقیت کودکان ایجاد کنند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

بحث و نتیجه‌گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می‌شود که خلاقیت اوج توانایی تفکر بشری است که توانسته است انسان را به مرحله پیشرفت و ترقی برساند و او را در حل تمام مسائل و مشکلات زندگی یاری دهد. نمونه‌های خلاقیت را می‌توان در نقاشی روی دیوار در زمان غارنشینان، خلق یک اثر هنری، ماشین‌آلات صنعتی و آشپزی و خیاطی و. . . دید. در حقیقت خلاقیت یک مفهوم انتزاعی و پیچیده‌است. اما ابهام در معنی و مفهوم کلمه به معنی پیچیدگی خود جریان خلاقیت نیست، زیرا خلاقیت را می‌توان به راحتی در زندگی روزانه حس کرد و آن را لمس کرد. اخیراً محققان و روانشناسان به بعد اجتماعی و محیطی آن توجه کرده‌اند و معتقدند که خلاقیت را نمی‌توان بدون توجه به ابعاد اجتماعی و محیطی آن بررسی کرد. به نظر استرانبرگ (۱۹۸۹) فرایند خلاقیت در ذهن شخص با متغیرهای اجتماعی رابطه دارد. واقعیت این است که به خلاقیت نمی‌توان با تمرکز بر یک بعد نگریست. ابعاد فردی یا محیطی نمی تواند بیانگر ماهیت خلاقیت باشند. بلکه خلاقیت ازسویی نیز تابع نظام اجتماعی خلاق است. به همین دلیل خلاقیت هرگز نتیجه عمل فرد به تنهایی نیست.

پیشنهادات کاربردی

در طراحی برنامه درسی است که می‌توان با انتخاب رویکرد مناسب شیوه طراحی؛ اهداف و غایت‌های متنوع را در قالبی در هم تنیده و به شیوه هایی مارپیچی و یا ماتریسی و مبتنی بر پرورش و توسعه خلاقیت و شناسایی و هدایت استعدادهای بالقوه تجلی بخشید. لذا دراین خصوص پیشنهاد می‌گردد:

ـ لازم است تا با هدف ارتقاء توجه به امر پرورش‌وآموزش خلاقیت، در طراحی برنامه درسی به گونه‌ای عمل کرد تا همه عناصر برنامه حول محور تقویت مولفه پرورش خلاقیت قرار گیرد.

ـ نقش معلم به عنوان مولفه‌ی اثرگذار بر دیگر مولفه‌های برنامه درسی نباید مورد غفلت قرار گیرد؛ چراکه وجود یک معلم خلاق از پیش شرط‌های اساسی در موفقیت یک برنامه درسی است.

ـ توجه بیشتر به مقوله آموزش‌وپرورش خلاقیت با تاکید بر دوره حساس ابتدایی، انجام نشست‌های تخصصی و گردهمایی‌های علمی با حضور سیاستگذاران و هدف‌گذاران کلان آموزش‌وپرورش در سطح ملی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

ـ ملکی، حسن(۱۳۹۴). برنامه‌ریزی درسی راهنمای کامل، انتشارات پیام اندیشه.

ـ احمدی قراچه، علی محمد (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی الگوهای برنامه درسی در دوره‌ی پیش از دبستان

ـ آبرکرامبی، نیکلاس(۱۳۹۳). فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی: حسن پویان، تهران : انتشارات راه دانش.

ـ آبلهی تزرا، (۱۳۹۰) شکوفایی خلاقیت کودکان، ترجمه حسن قاسم‌زاده، پروین عظیمی بشر، دنیای نو

برزگر، ن، مرادی، س(۱۳۹۱). طراحی، تولید مواد آموزشی و کمک آموزشی (تکنولوژی آموزشی)، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

ـ برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱). وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.

بروغنی، الهه (۱۳۹۰). بررسی آثار پنهان مولفه‌های برنامه درسی بر عواطف دانش‌آموزان مقطع ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

ـ بیابانگرد، اسماعیل و نعمتی، اسماعیل (۱۳۹۲). روانشناسی تربیتی. تهران : رشد.

ـ پاشا شریفی، حسن و مهری‌نژاد، ابولقاسم (۱۳۸۴). بررسی اثر بخشی تدریس به شیوه حل مساله و ارزشیابی بر اساس شاخص‌های پژوهشگرانه در بررسی روحیه پژوهشگری، فصلنامه نوآوری آموزشی، (۱۴) ۹ – ۳۷

ـ پروار، حمید رضا (۱۳۸۵). بررسی مولفه‌های خلاقیت و جامعه‌پذیری و تأملی بر پارادوکسیینی این دو مفهوم در فرایند تعلیم و تربیت، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

ـ حائری زاده، خیریه بیگم (۱۳۹۱). ویژگی‌های معلم مؤثر، تهران: انتشارات قطره.

ـ رئوف، علی (۱۳۹۱). یاددادن برای یادگرفتن، انتشارات مدرسه.

ـ زندی، بهمن (۱۳۹۲). روش تدریس زبان فارسی، تهران: انتشارات سمت.

ـ سند برنامه راهبردی معاونت آموزش ابتدایی (۱۳۹۲). وزارت آموزش‌وپرورش جمهوری اسلامی ایران.

ـ سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش جمهوری‌اسلامی ایران. (۱۳۹۰). وزارت آموزش‌وپرورش جمهوری اسلامی ایران.

ـ سیف، علی اکبر (۱۳۹۲) روانشناسی پرورشی نوین. تهران: دوران.

ـ صادقی مال امیری، منصور و رئیسی، محبت (۱۳۸۹). ارائه مدل مفهومی برای سنجش خلاقیت. دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس۹ (۳۰)، ۹۷– ۱۱۲.

ـ طارمیان، فرهاد (۱۳۹۳). مهارت‌های زندگی، کتاب راهنمای معلم، فعالیت‌های پرورشی در دوره‌ی متوسطه، تهران انتشارات برگ نفیس.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ـ فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۹۳). اصول و مفاهیم اساسی برنامه‌ریزی درسی. تهران: علم استادان.

ـ قره داغی، بهمن (۱۳۹۲). مدیریت بازخورد، راهنمای ارائه‌ی بازخورد در ارزشیابی کیفی- توصیفی، تهران: انتشارت مدرسه.

ـ محمدی ختابان، اصغر، (۱۳۹۱) تشکیل گروه‌های خلاق و نوآوری، انتشارات پارلاق قلم

ـ مرادی پیانی، شهناز (۱۳۹۲). نقد کلی کتاب تفکر و پژوهش پایه ششم ابتدایی، چهارمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران، دانشگاه فردوسی مشهد.

ـ مفیدی، فرخنده، (۱۳۹۳)آموزش‌وپرورش دبستانی ودبستان تهران، انتشارات پیام نور، چاپ دوم،

ـ مهر محمدی، محمود (۱۳۹۳). بازاندیشی فرایند یاددهی- یادگیری، دانشگاه تربیت معلم تهران.

ـ مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۸). برنامه درسی: نظرگاه‌ها، چشم‌اندازها و رویکردها. چاپ اول، مشهد: به نشر.

ـ ناصری، محمدمهدی (۱۳۹۲). راهنمای برنامه درسی دوره متوسطه، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

ـ نریمانی، محمد، (۱۳۹۳)آموزش خانواده انتشارات شیخ صفی

ب) منابع لاتین

__ Amabil, T. M. (2006). How to Kill Creativity. Harvard Business Review , 76 (5) : 76-87.

__ Cheng –pingchang (2013). Relationship between playfulness and Creativity among students Gifted in Mathematicsience. Creative Education. Vol14 no 2.

__ Czernecka, K. & Szymura, B. (2008). Alexithymia –imagination-creativity, Personality and individual differences. 45 (6) 445-450.

__ Dangwal ,P,kapur ,p (2015) , Learning through teaching :peer – mediated instruction in evasive education. Journal of Educational technology, Vol40 (3):pp. 5-22.

__ Dorin, A. & Kevin, K. B. (2009). Improbable creativity. Dagstuhl Seminar Proceeding Computional Creativity. An Interdisciplinary Approach

__ Eggen, P. & Kauchak, D. (2012). Educational psychology: windows on classroom (8th, ed) prentice-hall. (Lincoln, NE, U. S. A).

__ Eisner, E. W. (2001). The Educational Imagination (3rd edition). Merrill Prentice hall

__ Furnham, A. & Bachtiar, V. (2008). Personality and intelligence as predictors of Creativity. Personality and Individual Difference 45(7) 613-617.

__ Germam , K (2016). The effectiveness of participative management. International Journal of Manpower , Vol4(2) ,pp. 9-17.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

__ Gliss, G, Ashnman, H (2016). Investigating the effect of group behavior on social development of children, School Counselor , Vol. 33 , No. 1 , pp 9-17.

__ Klieme, E, Clausen, M. (2017) Identifying Facets of Problem Solving in Mathematics Instruction. Paper presented at the Annual Meeting of the American Educational Research Association, Montreal, Quebec, Vol2 (11) pp. 19-23.

__ Lynch, M. F. , Guardia, J. G. & Ryan, R. M. (2009). On being yourself in different culture: Ideal and actual self-concept. Autonomy support and well-being in China, Russia, and the United State. Journal of Positive Psychology, 4 (4): 290-304.

__ Nakpodia, E. D. (2010). Culture and curriculum development in Nigerian schools. African Journal of History and Culture; 2(1), pp:001-009.

__ Niemiec, C. P. & Ryan, R. M. (2009). Autonomy Competence, and Relatedness in the Classroom: Applying Self –Determination Theory to Educational Practice" Theory and Research in Education, 7 (2): 133-144.

__ Reeve, J. & Halusic, M. (2009). "How K-12 Teachers Can Put Self – Determination Theory Principles into Practice. Theory and Research in Education, 7 (2): 145-154.

__ Santrock, J. W. (2013). Educational psychology (2nd ed). New York. McGraw Hill.

__ Sternberg, R. , Kufman, J. & Grigorenko, L. (2010). Applied intelligence. Cambridge university press, New York.

__ Wolflk, A. E. (2012). Educational & Psychology (9nd. ed). Boston: Allyn and Bacon.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]